

Social Factors Affecting Gender Inequalities in Professional Sports in Iran

Bahar sharifi

PhD Student in Sports Sociology, Department of Sports Sociology, Faculty of Humanities and Social Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran , sharifi.bahare63@gmail.com

Bahramghadimi

Associate Professor, Department of Sociology of Sport, Faculty of Humanities and Social Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author) dr.b.ghadimi@gmail.com

Shahla Hojjat

Assistant Professor, Department of Sports Science, Faculty of Physical Education, Karaj Branch, Islamic Azad University, Tehran Iran
projeh.hojat@gmail.com

Mohammad Ali Aslankhani

Professor, Department of Physical Education and Sports Sciences, Faculty of Physical Education, University of Tehran, Tehran, Iran
maslankhani@yahoo.com

Masoumeh Shojaei

Associate Professor, department of motor behavior, faculty of sport sciences, Alzahra University, Tehran, Iran , M.shojaei@alzahra.ac.ir

Abstract

Professional sports are among the areas in which the presence of men is dominant. This paper aims at examining the social factors affecting the gender inequalities in professional sports in Iran. The method of this

study is applied in terms of purpose, quantitative in terms of nature, and descriptive-survey in terms of data collection. The statistical population was all members of the women's national team who were selected through purposive-snowball sampling method. The data collected through a research-made questionnaire were analyzed through Lisrel statistical software. The findings show that the process of socialization and the stabilization of gender stereotypes lead to feelings of gender inequality. One of the first issues related to the understanding of inequality with sports is the lack of media and paying little attention to the women athletes. From professional sports standpoint, they have been defined on the basis of the perspective of masculinity and patriarchy, and the type of win-lose game in sports fields is derived from the gender discriminatory demands that seek more strength, heroism, and win-lose. However, athletes and coaches who want to strengthen the sports identity and achieve higher status should reinforce their views on gender identity and its attributes in women and men athletes.

Keywords: Gender, Gender Inequalities, Social Factors, Iranian Professional Sports

عوامل اجتماعی مؤثر بر نابرابری‌های جنسیتی در ورزش حرفه‌ای ایران

بهار شریفی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی ورزش، گروه جامعه‌شناسی ورزش، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد
علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

sharifi.bahare63@gmail.com

بهرام قدیمی (نویسنده مسئول)

دانشیار، گروه جامعه‌شناسی ورزش، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد
اسلامی، تهران، ایران

dr.b.ghadimi@gmail.com

شهلا حجت

استادیار، گروه علوم ورزشی، دانشکده تربیت بدنی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران
projeh.hojat@gmail.com

محمد علی اصلانخانی

استاد، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
maslankhani@yahoo.com

معصومه شجاعی

دانشیار، گروه رفتار حرکتی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران
M.shojaei@alzahra.ac.ir

چکیده

ورزش حرفه‌ای از جمله حوزه‌هایی است که در آن حضور مردان بیشتر از زنان نمود دارد، لذا مقاله‌ی حاضر باهدف بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر نابرابری‌های جنسیتی در ورزش حرفه‌ای ایران تدوین گردیده است. روش مورد استفاده در این مقاله از حیث هدف، کاربردی و از حیث ماهیت، کمی و از حیث روش جمع‌آوری اطلاعات از نوع روش پیمایش می‌باشد. جامعه‌ی آماری تحقیق، تمامی اعضای تیم ملی بانوان بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده و با استفاده از نرم‌افزار Lisrel مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد؛ فرایند اجتماعی شدن و ثبات کلیشه‌های جنسیتی به احساس نابرابری جنسیتی منجر می‌شود. یکی از اولین مباحث مربوط به درک نابرابری با ورزش، کمبود رسانه و بی‌اهمیت بودن زنان ورزشکار است. از دیدگاه ورزش حرفه‌ای بر مبنای دیدگاه مردانه و پدرسالاری تعریف شده است و نوع بازی بردو باخت در میدان‌های ورزشی برگرفته از خواسته‌های تبعیض‌آمیز جنسیتی است که نیروی بیشتر، قهرمانی و بردو باخت را مدنظر قرار دارد، ورزشکاران و مربیان متقاضی کسب مقام‌های بالاتر و افزایش هویت ورزشی و تقویت آن، باید دیدگاه‌های مربوط به هویت جنسیتی و صفت‌های آن را در زنان و مردان ورزشکار تقویت کنند.

واژگان کلیدی: جنسیت، نابرابری‌های جنسیتی، عوامل اجتماعی، ورزش حرفه‌ای ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۰/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۳

فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۴۱، زمستان ۱۴۰۰، صص ۷۶۱-۷۸۶

مقدمه و بیان مسئله

جایگاه زنان به‌عنوان نیمی از جامعه در طول تاریخ همواره با فراز و فرود مواجه بوده است و روند تغییرات اجتماعی در این حوزه، علی‌الظاهر نشان از بهبودی و روند رو به توسعه جایگاه زنان دارد.

نابرابری جنسیتی، مقوله‌ای است که از سپیده‌دم تاریخ تاکنون همراه بشریت وجود داشته و در هر زمان و در شرایط و فرهنگ‌های مختلف به‌گونه‌ای مطابق با آن شرایط و فرهنگ جلوه نموده است. برابری و نابرابری جنسیتی از یک جامعه به جامعه‌ی دیگر و از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت است (Giligan 2017).

فراز و فرود جایگاه زنان، موضوع نابرابری جنسیتی را وارد حوزه‌ی اندیشه‌ی علوم اجتماعی نموده است. از این‌رو، طرح مسائل زنان به‌ویژه، با رویکرد نابرابری جنسیتی در تمام جوامع، چه پیشرفته و هم در حال توسعه یکی از نکات مورد توجه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان می‌باشد. صاحب‌نظران حوزه‌ی توسعه نیز، پس از ناکام ماندن الگوهای توسعه‌ی قبلی، رویکرد جدیدی را در توسعه پیش گرفتند که در آن به‌طور مشخص، جایگاه زنان و مردان تعریف شده و الگوی برابری برای کسب فرصت‌ها مدنظر می‌باشد.

با وجود ظلم تاریخی جوامع نسبت به زنان، اما با ظهور دین مبین اسلام بسیاری از قالب‌بندی‌ها و قشربندی‌های موجود در زیست اجتماعی بشر، به‌ویژه در رابطه‌ی نسبت بین مرد و زن علی‌الخصوص، در جامعه‌ی سراسر تبعیض جنسیتی حجاز درهم ریخته شد و ساختار

جدیدی از روابط بین انسان‌ها در کل و رابطه‌ی بین زن و مرد و جایگاه زنان مفصل‌بندی شد. «زن از نگاه قرآن عضوی مؤثر در اجتماع است و باید مانند مردان در مسائل مهم اجتماعی نقش‌آفرینی کند. تاریخ اسلام نیز شاهد این معناست که زنان مسلمان از صدر اسلام همواره فعالانه در گسترش اسلام در جامعه حضور داشته و در کنار مردان نقش مهمی در امور اجتماعی ایفا کرده‌اند. نگاهی به زندگی حضرت خدیجه(س) اولین بانوی بزرگ اسلام و کمک‌های بی‌دریغ وی به رسول خدا(ص) در پیشبرد اسلام و نیز نقش دخت والای آن حضرت فاطمه(س) در دفاع از مقام ولایت و همچنین نقش زینب کبری(س) در واقعه‌ی کربلا و وقایع پس‌از آن این حکم را مسجل می‌سازد» (بختیار و رضایی، ۱۳۹۱: ۶۱).

قرآن کریم در آیه‌ی شریفه‌ی ۱۹ سوره‌ی نسا به موردی اشاره می‌نماید که در حوزه‌ی موضوع مقاله بسیار قابل تأمل است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای شما حلال نیست که زنان را به‌اکراه و جبر به میراث گیرید (مانند جاهلیت) و بر آنان سخت‌گیری و بهانه‌جویی مکنید که قسمتی از آنچه مهر آن‌ها کرده‌اید به جور بگیرید، مگر آنکه عمل زشتی از آن‌ها آشکار شود و در زندگانی، به آن‌ها به انصاف رفتار نمایید و چنانچه دلپسند شما نباشند (اظهار کراهت مکنید)، چه بسا چیزها ناپسند شماست و حال آنکه خدا در آن خیر بسیار مقدر فرماید» (نسا، ۱۹).

یکی از ته‌نشست‌های ذهنی در مورد زنان، این نگرش جنسیتی می‌باشد که در نگرش مردانه حضور زنان در فعالیت‌های ورزش حرفه‌ای به‌ویژه ورزش‌های قهرمانی، مورد اکراه مردانه قرار گرفته است که بایستی با منطق قرآنی مورد تجدیدنظر قرار گیرد، چراکه فعالیت‌هایی مانند ورزش حرفه‌ای که متضمن مشارکت می‌باشند، مستلزم تغییر حالت ذهنی و روانی افراد

در همه‌ی سطوح اجتماعی بوده و درعین حال برقراری مناسبات انسانی و اجتماعی جدیدی را امکان‌پذیر می‌سازند. در این حالت، مشارکت فرآیندی از خودآموزی مدنی محسوب می‌شود که ضمن آماده ساختن افراد اعم از زن و مرد برای امر تصمیم‌گیری و پذیرش مسئولیت، زمینه‌ها و مؤلفه‌های لازم را جهت توسعه‌ی پایدار فراهم می‌سازد. لذا، توجه به شاخص‌های فرهنگی اجتماعی توسعه‌ی انسانی و جنسیتی و تصویر وضع موجود و فاصله‌ی آن با انتظارات، زمینه را برای شناخت روندهای موجود و آینده، موانع و کمبودهای موجود در امر مشارکت فعال که لازمه‌ی توسعه‌ی پایدار و قابلیت محور است، مهیا ساخته و مسئولین را در امر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای همه‌ی اقشار و از جمله زنان به‌عنوان گروهی اجتماعی که هنوز به‌عنوان کارگزار اجتماعی امکان بروز توانایی و استعدادهای خود را نیافته است، کمک می‌رساند. بر این اساس در مقاله‌ی حاضر مسئله‌ی اصلی وجود نگرش و ذهنیت نابرابر نسبت به زنان در ورزش حرفه‌ای می‌باشد که این مطالعه به دنبال بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر این مسئله می‌باشد.

۱- اهداف و سؤالات پژوهش

تبیین و تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر ماهیت نابرابری جنسیتی در ورزشکاران نخبه و ارائه‌ی مدل کاربردی آن هدف این مطالعه می‌باشد و سؤالاتی که مطرح می‌شوند، به شرح ذیل است:

- عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی کدام‌ها هستند؟
- اولویت و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر نابرابری چگونه است؟
- آیا با مدل بندی عوامل اجتماعی مؤثر بر نابرابری اجتماعی امکان تبیین موضوع در جامعه ایرانی دارای اعتبار است؟

۲- پیشینه پژوهش

در حوزه‌ی موضوع تحقیق، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است که در این مقاله به چند مورد اشاره می‌شود:

احسانی و همکاران (۱۳۹۰)، در «بررسی عوامل بازدارنده‌ی مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی» نشان دادند که زنان، برای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی با موانع بیشتری نسبت به مردان مواجه‌اند. آن‌ها علل حضور نیافتن زنان در فعالیت‌های ورزشی را چنین ذکر کردند؛ نداشتن همراه برای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، تعهدات خانوادگی، کمی اطلاعات، خجالتی بودن، کمبود امکانات، کمبود وسایل نقلیه و ناتوانی جسمی، احسانی و همکارانش، نشان دادند؛ یکی از عوامل بازدارنده‌ی فعالیت‌های ورزشی، اطلاع‌رسانی ناکافی به افراد است، زیرا آن‌ها از سرویس‌های ارائه‌شده و از وجود خدماتی برای فعالیت‌های ورزشی نا آگاهند.

نتایج تحقیق ابراهیمی و همکارانش (۱۳۹۲) در «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زنان نسبت به مشارکت در ورزش به‌عنوان تماشاچی» نشان می‌دهد؛ زنانی که از پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتری برخوردار بوده‌اند، گرایش آن‌ها نسبت به مشارکت در ورزش به‌عنوان تماشاچی نیز بیشتر بوده است. از طرف دیگر با افزایش باور به نگرش‌های عامیانه در ارتباط با ورزش زنان، گرایش آن‌ها نسبت به مشارکت در ورزش به‌عنوان تماشاچی کمتر می‌شود؛ بدین معنی که باورهای عامیانه در مورد ورزش زنان و ضررهای ناشی از آن، مانعی مهم بر سر راه مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی تلقی می‌شود.

بخارائی (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر نابرابری جنسیتی (مطالعه‌ی زنان متأهل ۲۰ تا ۴۹ ساله‌ی شهر اصفهان) با روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای»، به این نتیجه رسید که میزان نابرابری جنسیتی به‌ویژه در ابعاد اقتصادی و فرهنگی، در حد قابل‌ملاحظه‌ای به نفع مردان است. از میان متغیرهای مستقل، بین عقاید قالبی جنسیتی و نابرابری جنسیتی رابطه‌ای مشاهده نشده است. همچنین بین پایبندی به ایدئولوژی مردسالارانه و نابرابری جنسیتی رابطه‌ای وجود ندارد، اما میان شیوه‌ی جامعه‌پذیری

و نابرابری جنسیتی رابطه‌ی معناداری دیده می‌شود.

رامیر و ویزو^۱ در سال (۲۰۰۳)، بار دیگر به «بررسی تناسب جنسیتی ورزش و مقایسه آن با داده‌های متنی در جامعه آمریکا» پرداختند. آنان در بررسی یک نمونه‌ی ۳۵۰ نفری از دانش‌آموزان به این نتیجه رسیدند که از دیدگاه نمونه‌های موردبررسی، ورزش‌های کشتی و فوتبال آمریکایی کاملاً مردانه و ورزش‌های ایروبیک و ژیمناستیک برای زنان مناسب است؛ اما رشته‌های ورزشی بسکتبال و فوتبال، مستقل از جنسیت هستند که در این موارد با طبقه‌بندی متنی در تضاد است.

مک کالیستر^۲ و همکاران (۲۰۰۳)، در یک بررسی از بین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی با استفاده از روش مصاحبه دریافتند که دانش‌آموزان پسر ورزش‌هایی مانند فوتبال، کشتی، بسکتبال و هاکی را می‌شناختند و دانش‌آموزان دختر با ورزش‌هایی مانند باله، ژیمناستیک و طناب‌بازی آشنایی داشتند. نتایج یک بررسی در مورد انتخاب رشته‌های ورزشی در برنامه‌ی مدارس در آمریکا نشان داد که پسران از شرکت در برنامه‌های ورزشی ایروبیک و دختران از شرکت در برنامه‌های تمرین با وزنه اجتناب داشتند.

بررسی پیشینه‌های تحقیق حکایت از این دارد که مسئله‌ی جنسیت در ورزش، یکی از مسائل قابل توجه است و هریک از پیشینه‌ها به بعدی از مسئله عطف توجه نشان داده‌اند و در مقاله‌ی حاضر با بهره‌گیری از پیشینه‌ها سعی شده است که در بررسی موضوع نقاط مغفول مانده، موردعنايت قرار گیرد.

۳- ملاحظات مفهومی و نظری

۳-۱- ماهیت نابرابری جنسیتی (تبعیض جنسیتی)

واژه‌ی «جنس^۳» به تفاوت‌های بیولوژیکی و فیزیکی میان زنان و مردان برمی‌گردد،

-
1. Ramirez, Visa
 2. McCallister
 3. Sex

درحالی‌که واژه‌ی جنسیت بر نقش‌های اجتماعی زنان و مردان اطلاق می‌شود. «تفاوت‌های جنسیتی» پدیده‌ای تأثیرگذار بر باورها و عقاید اجتماعی است و توسط جامعه، اعم از زنان و مردان تفهیم و ترویج می‌شود. تبعیض جنسیتی به معنای برخورد یا عملی که بر اساس جنسیت افراد به‌تحقیر، طرد، خوارشمردن و کلیشه‌بندی آنان می‌پردازد و به مفهوم بازهم وسیع‌تر تبعیض جنسی‌گرایی است که برای تکریم یک جنس به‌تحقیر جنس دیگر می‌پردازد (Shadloo 2018).

برای فهم نابرابری جنسیتی، باید به تبیین چگونگی نقش جنسیت در ساختاردهی زندگی اجتماعی پرداخت. در اکثر جوامع بشری، جنسیت به وجود زیستی زنان و مردان نسبت داده می‌شود و از آن‌پس این زنان و مردان از طریق جامعه‌پذیری متفاوت عمل خواهند کرد. این فرایند مرحله‌ی گذار از جنس به جنسیت است از آغاز دوران رشد، دختر و پسر در معرض تجربه‌های اجتماعی چه در محیط خانواده و چه در جامعه قرار می‌گیرند. به‌این‌ترتیب، هویت جنسیتی و خود‌پنداره‌ی این دو گروه جنسیتی شکل می‌گیرد و در آینده، انتخاب‌های آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Grossi 2005).

نابرابری جنسیتی، یکی از جنبه‌های عمومی و پایدار جوامع انسانی است. تمایزهای فردی از قبیل توانایی‌های ذاتی، انگیزشی و تمایلات گوناگون افراد و تفاوت‌های اجتماعی از جمله متفاوت بودن شیوه‌ی زندگی، حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازهایی که جامعه برای افراد قائل می‌شود و به‌صورت نهادی درمی‌آیند، موجب بروز نابرابری‌اند. در مورد وجود نابرابری و تداوم آن نظریات متعددی وجود دارد. افلاطون و ارسطو، ریشه‌ی نابرابری را در سرشت انسان جستجو می‌کنند. روسو سرچشمه‌ی نابرابری را تنها در سرشت انسان نمی‌بیند؛ بلکه معتقد به دو گونه نابرابری میان انسان‌هاست. نابرابری جسمی که از طبیعت مایه می‌گیرد و تفاوت در سن، سلامت، نیروی بدنی و کیفیت ذهنی و روحی را شامل می‌شود و نابرابری اخلاقی یا سیاسی که مبتنی بر نوعی قرارداد و در نتیجه توافق و رضایت انسان‌ها شامل امتیازاتی است که برخی از افراد به زیان دیگران از آن بهره‌مند می‌شوند (Grossi 2005).

۳-۲. نابرابری جنسیتی از دیدگاه کارکردگرایی (فونکسیونالیسم)

کارکردگرایان با این فرض آغاز می‌کنند که همه‌ی جوامع، تفاوت‌های جنسیتی را تشویق می‌کنند، زیرا این تفاوت‌ها اثرات مثبتی بر کل جامعه دارد، آنان چنین خاطر نشان می‌سازند که حداقل در جوامع سنتی و ماقبل صنعت، ایفای نقش‌های متفاوت، کارکرد زیادی برای زنان و مردان و کل نظام اجتماعی داشته است. دو تن از کارکردگرایان به نام‌های تالکوت^۱ پارسونز^۲ و رابرت بیلز^۳ چنین استدلال کرده‌اند که هنوز هم نقش‌های جنسیتی سنتی در جوامع نوین دارای کارکرد است، آن‌ها ادعا می‌کنند که خانواده‌ی نوین نیز به دو تن بزرگسال احتیاج دارد که در زمینه‌ی نقش‌های خاصی، دارای تخصص باشند و نقش کلیدی، معمولاً بر عهده مرد است، چراکه خانواده نیاز به روابط برون خانوادگی دارد و این نقش معطوف به مرد است نه زن (Mehrizi 2018).

نقش کلیدی مرد ایجاب می‌کند؛ مرد مسلط و رقابت‌جو باشد و نقش انفعالی و نمایشی زن مستلزم این است که زن سلطه‌پذیر و پرورش‌دهنده‌ی کودک باشد و خانواده با تبعیت از این الگو، کارکرد مؤثرتری داشته و به‌طور کلی تمایزات، تفاوت‌ها و تفکیک جنسیتی زنان و مردان در جوامع نوین دوام، ماندگاری و ثبات نظام اجتماعی بزرگ را علی‌رغم نابرابری ناشی از نقش‌ها و تقسیم‌کار متفاوت، تضمین می‌کند. انتقادکنندگان از این نظریه، تحلیل فوق را نمونه‌ی دیگری از دفاع از وضع موجود می‌دانند. آنان چنین استدلال می‌کنند؛ نقش‌های جنسیتی هرچند در جوامع سنتی کارکرد داشته، ولی آن‌ها در جوامع صنعتی نوین که فعالیت‌های روزانه مردان و زنان از منشأ ساده و اولیه خود بسیار دور شده، بی‌معنی است. به‌علاوه، این نظریه درباره‌ی فشارهایی که به مردان جامعه نوین دارد وارد می‌شود تا خواستار نقش‌نمایشی زنان شوند، توضیحی نمی‌دهد. درواقع، این نظریه از کارکردهای منفی که این

1. Functionalism
2. Talcott
3. Parsons
4. Robert Bales

جنسیت گرایی برای جامعه دارد، مبنی بر تعامل و صرف نظر کردن از مشارکت نیمی از جمعیت در زندگی اقتصادی به راحتی عبور کرده است (Mehrizi 2018)

۳-۳. نابرابری جنسیتی از دیدگاه ستیز گرایی

منشأ کلی نابرابری از دیدگاه ستیز گرایی، نابرابری اقتصادی بین زنان و مردان می باشد. دسترسی و مالکیت ابزار تولید، توسط مردان و کسب ثروت، مهم ترین عامل نابرابری جنسیتی شمرده شده است؛ چراکه نخستین منبع پایگاه اجتماعی هر قشری از جامعه ثروت است، همان عنصری که می تواند به قدرت و حیثیت تبدیل شود. بنابراین، ثروت و قدرت متفاوت مردان و زنان، عامل اساسی نابرابری جنسیتی آنان بوده است. از دیدگاه ستیز گرایی در جوامع صنعتی اولیه، مردان نیروی اصلی کار را تشکیل می دادند و فقط تعداد کمی از زنان، آن هم با دستمزد بسیار پایین در خارج از خانه کار می کردند، لذا بیشتر زنان در این جوامع، برای امرارمعاش خود کاملاً به مردان متکی بودند، طبیعتاً در چنین وضعیتی زنان نمی توانستند ادعای برابری با مردان داشته باشند، همان وضعیتی که تا دوره ی نوین نیز امتداد یافته است. در حقیقت، شواهد میان فرهنگی تأیید می کند، هنگامی که زنان، تولید اقتصادی کمتری داشته باشند یا هنگامی که زنان در خانه بمانند و مردان در خارج از خانه کار کنند، پایگاه آنان به طور قابل ملاحظه ای پایین تر از مردان خواهد بود. در جوامع صنعتی پیشرفته و خصوصاً در جوامع نوظهور فرا صنعتی تصویر فوق دگرگون می شود؛ چراکه زنان، نقش روزافزونی در تأمین نیروی کار ایفا می کنند (Mehrizi 2018).

۳-۴. نابرابری های جنسیتی از دیدگاه فمینیستی

«فمینیسم^۱» واژه ای فرانسوی است؛ به مفهوم آیینی که طرفدار گسترش حقوق و نقش زنان در جامعه می باشد. فمینیست ها، افرادی هستند که تحت ستم بودن زنان و مناسبات

نابرابر مرد و زن در خانه و اجتماع را که به دلیل جنسیتشان به وجود آمده، سخت مورد توجه قرار می‌دهند و خواستار تغییر مناسبات نابرابر میان زنان و مردان هستند. بدین ترتیب، محور تفکر و رفتار فمینیسم، جنسیت می‌باشد و وجه اصلی تمامی تفاسیر و گونه‌های آن بر این باور است که زنان به دلیل جنسیتشان گرفتار تبعیض هستند (Qaderi 2016).

۳-۵. فمینیسم لیبرال

«لیبرال‌ها» معتقدند؛ زنان باید کاملاً با مردان برابر باشند، آن‌ها در این راستا اصلاحات درون سیستمی را پیشنهاد می‌کنند. از نظر آنان، تبعیض جنسی مانند ایدئولوژی نژادپرستی است و از پیش‌داوری‌ها و عرف‌های تبعیض‌آمیز علیه زنان و باورهای پذیرفته‌شده، درباره‌ی تفاوت‌های طبیعی میان زن و مرد که سرنوشت‌های اجتماعی متفاوتی را برای هر دو جنس رقم می‌زنند، ساخته می‌شود. به خاطر همین تبعیض جنسیتی است که زنان از همان کودکی، محدود و علیل می‌شوند تا آن‌که نقش‌هایی را در بزرگسالی پذیرا گردند که آن‌ها را از انسانیت کامل محروم سازد و به موجودات وابسته و ناخودآگاه افسرده‌ای تبدیل سازد، درواقع، همین نقش‌های خاص جنسی‌اند که با قیدوبندها و شرایط ویژه‌ای که بر زنان تحمیل می‌کنند، از آن‌ها یک چنین موجوداتی به وجود می‌آورند (Reitzer 2001).

فمینیست‌های لیبرال معتقدند؛ یک جامعه‌ی شایسته، باید حداکثر فرصت‌ها را برای توسعه‌ی استعدادهای فردی مهیا کند و این فرصت‌ها باید برای همگان قابل دسترسی باشد. فمینیست‌های لیبرال، مثل تاورو کرافت^۲ بر این باورند که تفاوت‌های قابل مشاهده میان دو جنس ذاتی نیست؛ بلکه نتیجه‌ی جامعه‌پذیری و همگن‌سازی جنس و نقش است و تفاوت میان دختران و پسران و زنان و مردان، نتیجه‌ی آموزش‌های متفاوت به دو جنس در سنین کودکی، نظام پاداش و مجازات در مقابل رفتارهای مشابه و ارائه‌ی کلیشه‌های رفتاری به زن‌هاست؛ چراکه طی فرایند مذکور رفتار والدین با فرزندان دختر و پسر متفاوت بوده و

1. Liberal feminism

2. Taoro Craft

در نتیجه، انتظارات والدین از فرزندان دختر و پسر متفاوت می‌باشد. پیامد این امر، آن است که والدین نقش‌ها و وظایف خاصی را برای فرزندان دختر و پسر در نظر می‌گیرند. همین امر، منجر به پذیرش عقاید قالبی جنسیتی می‌شود که خانواده و اجتماع این عقاید را برای افراد درونی می‌کند، عقایدی که مرد را به سمت فرادستی و زن را به سوی فرودستی سوق می‌دهد (Zibaiinezhad 2017).

برای تدوین چهارچوب نظری تحقیق به واسطه‌ی گستره‌ی موضوع و این‌که عوامل اجتماعی مؤثر بر نابرابری جنسیتی از حیث تحلیل نظری با رویکردهای مختلف تبیین شده است و نظریه‌های مطرح‌شده، هر یک بخشی از موضوع را مورد توجه و تحلیل قرار داده‌اند، لذا ترکیبی از گزاره‌های نظری از تئوری‌ها استخراج‌شده و پژوهش بر آن مبنا انجام‌شده است.

۴- روش تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی از لحاظ گردآوری اطلاعات از نوع توصیفی-پیمایشی بوده، جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه‌ی اعضای تیم ملی بانوان ۷۹۹ المپیک و پارالمپیک و ۱۷ نفر مدال‌آوران بین‌المللی ۴۵۸ نفر می‌باشند. با توجه به ماهیت روش تحقیق، چون تعداد مشارکت‌کنندگان در این تحقیق محدود می‌باشد، پس حجم نمونه‌ی آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب‌شده است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ی محقق ساخته می‌باشد. با توجه به محقق ساخته بودن ابزار گردآوری داده‌ها در روش پیمایش، برای به دست آوردن روایی پرسشنامه از روایی صوری و محتوایی و به منظور پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده‌شده است که میزان پایایی به دست آمده برابر با ۰/۷۰ است که نشان از پایا بودن پرسشنامه است. برای تحلیل و تفسیر داده‌ها از آزمون فریدمن، جهت رتبه‌بندی و میزان اهمیت هریک شاخص‌ها و متغیرهای شناسایی‌شده در سطح معنی‌داری $P \geq 0.05$ و از نرم‌افزار SPSS نسخه‌ی ۲۲ با سطح معناداری استفاده شد. در طراحی مدل و تعیین میزان تأثیرگذاری متغیرها از آزمون‌های تحلیل مسیر، معادلات ساختاری، برازش مدل

و ماتریس کوواریانس در نرم‌افزار آماری Lisrel نسخه‌ی ۸,۸۰ استفاده شده است.

۵- یافته‌های پژوهش

در این بخش به تمامی سوالات این مطالعه به تفکیک پاسخ داده خواهد شد.

۵-۱. عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی کدام‌ها هستند؟

در این بخش، بدون در نظر گرفتن نابرابری جنسیتی، رویکردهایی در رابطه با نابرابری‌های جنسیتی، دلایل نابرابری‌های جنسیتی، پیامدهای نابرابری‌های جنسیتی، راهکارهایی برای رفع آن‌ها و برای پیشبرد ورزش متعلق به کل معیارها محاسبه گردیده است که در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۱. امار توصیفی عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی

انحراف معیار	میانگین	تعداد	معیارها	انحراف معیار	میانگین	تعداد	معیارها
۹۵۸۹۶/۰	۴/۱۱۹۶	۹۲	تصمیم‌گیری ورزشکاران زن در نوع پوشش خود	۹۴۹۰۱/۰	۳/۹۷۸۳	۹۲	موقعیت زندگی افراد
۱/۱۴۳۹۱	۳/۷۹۳۵	۹۲	وجود نگاه مدیریتی و مردسالارانه	۹۲۷۰۴/۰	۴/۲۲۸۳	۹۲	مسائل فرهنگی و اجتماعی
۷۹۱۳۶/۰	۴/۵۱۰۹	۹۲	جنسیت‌گذاری بر روی رشته‌های ورزشی (مردانه و زنانه دانستن رشته‌ها)	۸۶۵۷۵/۰	۴/۲۲۸۳	۹۲	ساختارهای اجتماعی
۱/۰۷۳۷۳	۴/۱۰۸۷	۹۲	پر رنگ بودن نقش مذهب و دین	۹۱۳۰۲/۰	۴/۱۸۴۸	۹۲	توافق‌های سازمانی و نهادی
۱/۰۴۰۰۵	۴/۱۳۰۴	۹۲	نبود فضای ورزشی مناسب و کافی	۹۵۸۹۶/۰	۴/۱۸۴۸	۹۲	باورها و رفتارهای جنسیتی
۸۷۰۷۷/۰	۴/۵۰۰۰	۹۲	وجود مشکلات زیرساختی در راستای ورزش بانوان	۱/۱۷۵۲۲	۴/۱۱۹۶	۹۲	فعالیت رسانه‌های گروهی در زمینه تبلیغ و ترویج پوشش و حجاب
۷۶۲۸۵/۰	۴/۵۲۱۷	۹۲	وجود محدودیت‌های اعتقادی و سنتی در خانواده‌ها	۸۷۱۲۵/۰	۴/۲۰۶۵	۹۲	هنجارهای اجتماعی
۰۹۶۶۲۴/۰	۴/۳۰۴۳	۹۲	سرمایه‌گذاری مالی توسط دولت بر ورزش مردان	۸۳۰۹۰	۴/۴۵۶۵	۹۲	نبود اسپانسر در راستای فعالیت‌های ورزشی
۸۶۶۳۷/۰	۴/۴۱۳۰	۹۲		۹۴۸۴۴/۰	۴/۱۸۴۸	۹۲	جداسازی ورزش زنان و مردان از یکدیگر
				۱/۰۱۰۲۲	۴/۳۴۷۸	۹۲	وجود نگاهی ایزاری به زنان

۵-۲. اولویت بندی عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی چگونه است؟

در این مرحله، میانگین نتایج به دست آمده از نظرات کارشناسان در رابطه با سؤالات تحقیق، مورد بررسی قرار گرفت و این مقوله‌ها اولویت بندی شد و بر اساس اولویت بندی میزان اهمیت آن‌ها را مورد بررسی قرار گرفت. به منظور رتبه بندی سؤالات تحقیق، از آزمون فریدمن

برای رتبه‌بندی عوامل با توجه به میانگین نمره‌ها استفاده شده است. در این آزمون فرض‌های H_0 و H_1 به صورت زیر تعریف شده است:

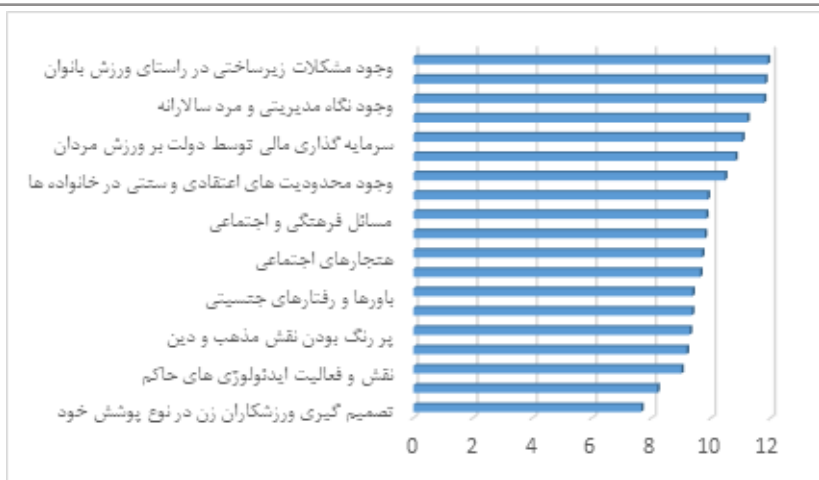
جدول ۲. آزمون آماری توصیفی برای رتبه‌بندی فریدمن سؤالات تحقیق

۹۲	تعداد
۱۳۴/۶۹۳	X^2
۱۹	درجه آزادی
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری

چون مقدار سطح معنی‌داری ۰،۰۰۰ و کوچک‌تر از مقدار خطا ۰،۰۵ می‌باشد، به ازای حداقل یکی از عوامل میانگین‌ها با یکدیگر برابر نمی‌باشند، بنابراین رتبه‌بندی عوامل با توجه به میانگین رتبه‌ای به شرح زیر می‌باشد.

جدول ۳. نتایج آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی سؤالات تحقیق

رتبه	میانگین رتبه‌ای	سؤالات تحقیق	رتبه	میانگین رتبه‌ای	سؤالات تحقیق
۸	۹/۸۹	فعالیت رسانه‌های گروهی در زمینه تبلیغ و ترویج پوشش و حجاب	۱۹	۷/۶۶	تصمیم‌گیری ورزشکاران زن در نوع پوشش خود
۷	۱۰/۴۷	وجود محدودیت‌های اعتقادی و سنتی در خانواده‌ها	۱۸	۸/۲	موقعیت زندگی افراد
۶	۱۰/۸۲	وجود نگاهی ایزاری به زنان	۱۷	۹/۰۱	نقش و فعالیت ایدئولوژی‌های حاکم
۵	۱۱/۰۵	سرمایه‌گذاری مالی توسط دولت بر ورزش مردان	۱۶	۹/۱۸	جنسیت‌گذاری بر روی رشته‌های ورزشی (مردانه و زنانه دانستن رشته‌ها)
۴	۱۱/۲۲	نبود اسپانسر در راستای فعالیت‌های ورزشی	۱۵	۹/۲۹	پر رنگ بودن نقش مذهب و دین
۳	۱۱/۷۸	وجود نگاه مدیریتی و مردسالارانه	۱۴	۹/۳۶	توافق‌های سازمانی و نهادی
۲	۱۱/۸۲	نبود فضای ورزشی مناسب و کافی	۱۳	۹/۳۸	باورها و رفتارهای جنسیتی
۱	۱۱/۹۱	وجود مشکلات زیرساختی در راستای ورزش بانوان	۱۲	۹/۶۴	جداسازی ورزش زنان و مردان از یکدیگر
۱۰	۹/۷۹	ساختارهای اجتماعی	۱۱	۹/۷	هنجارهای اجتماعی
			۹	۹/۸۴	مسائل فرهنگی و اجتماعی



نمودار ۱. رتبه‌بندی سؤالات مربوط به نابرابری جنسیتی

در جدول شماره‌ی ۳ و نمودار ۱، می‌توان مشاهده کرد که بالاترین میانگین به وجود مشکلات زیرساختی در راستای ورزش بانوان، اختصاص دارد و کمترین میانگین به تصمیم‌گیری ورزشکاران زن در نوع پوشش خود اختصاص دارد.

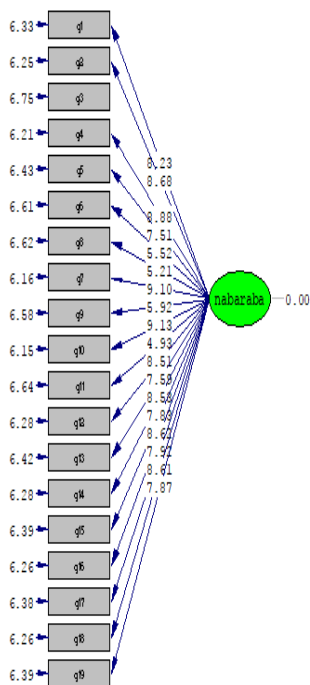
برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی و مدل معادلات ساختاری با بهره‌گیری از نرم‌افزار Lisrel استفاده شده است. قبل از بررسی مدل ساختاری متغیرهای تحقیق، به تحلیل عاملی تأییدی متغیرهای مدل پرداخته شده است، با توجه به اینکه متغیر نابرابری جنسیتی دارای بعد می‌باشد پس جزء متغیرهای دومرحله‌ای است و دارای دو تحلیل عاملی تأییدی می‌باشد. تحلیل عاملی تأییدی مرتبه‌ی اول که به بررسی ارتباط متغیرهای آشکار (شاخص‌ها) با ابعاد نابرابری جنسیتی می‌پردازد و تحلیل عاملی تأییدی مرتبه‌ی دوم نیز به ارتباط بین ابعاد نابرابری جنسیتی با خود متغیر نابرابری جنسیتی می‌پردازد. نتایج تحلیل عاملی مرتبه‌ی اول و دوم متغیر نابرابری جنسیتی در جدول زیر انعکاس یافته است.

جدول ۴. نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه‌ی اول و دوم متغیر نابرابری جنسیتی

متغیر	مؤلفه‌ها (شاخص‌ها)	ضریب استاندارد	عدد معناداری
نابرابری جنسیتی	موقعیت زندگی افراد	۰/۷۱	۸/۲۳
	مسائل فرهنگی و اجتماعی	۰/۷۲	۸/۶۸
	ساختارهای اجتماعی	۰/۷۲	۸/۸۸
	توافقات‌های سازمانی و نهادی	۰/۶۷	۷/۵۱
	باورها و رفتارهای جنسیتی	۰/۶۴	۵/۵۲
	فعالیت رسانه‌های گروهی در زمینه تبلیغ و ترویج پوشش و حجاب	۰/۴۳	۵/۲۱
	هنجارهای اجتماعی	۰/۷۰	۹/۱۰
	نبود اسپانسر در راستای فعالیت‌های ورزشی	۰/۵۵	۵/۹۲
	جداسازی ورزش زنان و مردان از یکدیگر	۰/۷۷	۹/۱۳
	نقش و فعالیت ایدئولوژی‌های حاکم	۰/۵۷	۴/۹۳
	تصمیم‌گیری ورزشکاران زن در نوع پوشش خود	۰/۷۷	۸/۵۱
	وجود نگاه مدیریتی و مردسالارانه	۰/۶۰	۷/۸۶
	جنسیت‌گذاری بر روی رشته‌های ورزشی (مردانه و زنانه دانستن رشته‌ها)	۰/۷۸	۷/۸۳
	پررنگ بودن نقش مذهب و دین	۰/۸۰	۸/۶۲
	نبود فضای ورزشی مناسب و کافی	۰/۶۹	۷/۹۱
	وجود مشکلات زیرساختی در راستای ورزش بانوان	۰/۶۷	۸/۶۱
	وجود محدودیت‌های اعتقادی و سنتی در خانواده‌ها	۰/۷۳	۷/۸۷
	سرمایه‌گذاری مالی توسط دولت بر ورزش مردان	۰/۸۳	۷/۹۶
	وجود نگاهی ابزار به زنان	۰/۷۰	۶/۸۶

۳-۵. آیا با مدل بندی عوامل اجتماعی مؤثر بر نابرابری اجتماعی، امکان تبیین موضوع در جامعه‌ی ایرانی دارای اعتبار است؟

پایایی سازه، معیاری است برای تعیین سازگاری درونی متغیرهای آشکار (شاخص‌ها)؛ به این معنی که اگر عدد بزرگی برای آن محاسبه شود، یعنی تمام معیارها به‌طور سازگار و هم‌راستایی نشان‌دهنده‌ی موضوع واحدی هستند. این پایایی بر مبنای مربع مجموع بارهای عاملی یک سازه بیان می‌گردد. مقدار پایایی ترکیبی بر اساس یک قاعده‌ی سرانگشتی باید بزرگ‌تر از ۰٫۷ باشد تا بتوان ادعا کرد، سازگاری درونی وجود دارد. مطابق جداول فوق مقدار C.R برای هر ۵ بعد بزرگ‌تر از ۰٫۷۰ شده‌اند که نشان‌دهنده‌ی سازگاری درونی این ابعاد هستند.



Chi-Square=350.28, df=153, P-value=0.00000, RMSEA=0.009

نمودار ۲. مدل در حالت ضرایب معناداری

سؤال اساسی مطرح شده این است که آیا این مدل اندازه‌گیری، مدل اندازه‌گیری مناسبی برای بررسی متغیر نابرابری جنسیتی است؟ برای پاسخ به این پرسش از تحلیل ساختاری با استفاده از لیزرل و سایر معیارهای مناسب بودن برازش مدل، مورد بررسی قرار گیرد.

$$X = 10 \text{ و } df = 153 \text{ و } p\text{-Value} = 00/0$$

$$\text{Goodness of Fit Index (GFI)} = 98/0$$

$$\text{Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)} = 95/0$$

با نگاهی با نتایج خروجی لیزرل متوجه می‌شویم که مدل اندازه‌گیری مرحله‌ی تکامل مدل مناسبی است، چون که مقدار کای دو به DF کوچک‌تر از ۳ بوده (۲/۳۳) و مقدار GFI و AGFI بالای ۹۰ درصد است. با توجه به خروجی مدل در حالت معنی‌داری و با توجه به بار عاملی تمام سؤالات که بزرگ‌تر از ۰/۲ می‌باشد، بنابراین از تمام سؤالات در آزمون فرضیات استفاده می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر درصدد تبیین و تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر ماهیت نابرابری‌های جنسیتی در ورزش حرفه‌ای ایران و ارائه‌ی مدل کاربردی است. برای این منظور، ابتدا تئوری‌های مرتبط در زمینه‌ی تبیین نابرابری جنسیتی مطرح و سپس بر اساس مدل تحلیلی تحقیق، دیدگاه پاسخگویان مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج تحقیق، حاکی از آن است که نابرابری جنسیتی در پژوهش‌های پیشین یا بر اساس گزارش‌ها و اسناد بررسی شده یا مطابق با مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته درباره‌ی احساس و نگرش افراد به نابرابری جنسیتی انجام شده است. آنچه در این پژوهش‌ها مغفول مانده، رفتار زنان باتجربه‌ی آن‌ها از نابرابری جنسیتی است. پژوهش حاضر در مقایسه با پژوهش‌های گذشته، بر تجربه‌ی زنان تأکید دارد و نگارنده، درباره‌ی واقعیت تجربه‌شده‌ی زنان مطالعه نموده است؛ بنابراین، این پژوهش با احساس یا نگرش زنان به نابرابری جنسیتی در سازمان‌های مردم‌نهاد ارتباطی ندارد؛ بلکه به‌طور مستقیم به رفتار آنان

توجه می‌کند، همچنین به این تبیین می‌پردازد که چه عوامل جامعه‌شناختی سبب می‌شود که زنان نتوانند عضو یا مؤسس سازمان‌های مردم‌نهاد شوند. بر اساس نتایج این پژوهش‌ها افراد برحسب نقش‌ها و رفتارهای متفاوت، در فرهنگ و جامعه‌ی اجتماعی پذیرفته می‌شوند، گفتنی است این نقش‌ها و رفتارها در قالب طرح‌واره‌های جنسیتی و باورهای قالبی ثبات می‌یابد. این فرایند اجتماعی شدن و ثبات کلیشه‌های جنسیتی به احساس نابرابری جنسیتی منجر می‌شود. یکی از اولین مباحث مربوط به درک نابرابری با ورزش، کمبود رسانه و بی‌اهمیت بودن زنان ورزشکار است، این موضوع نه‌تنها در گزارش‌های کم‌اهمیت ورزشکاران زن، بلکه از وقایع آن‌ها آشکار است. عدم پوشش و قدردانی از ورزش و ورزش بانوان، مصرف‌کننده‌ی ورزش را به این باور سوق می‌دهد که ورزش و ورزشکاران بانو از اهمیت خاصی برخوردار نیستند و شایسته‌ی پوشش آن نیستند. این واقعیت که زنان ورزشکار و ورزشکاران مدام از سوی رسانه‌های ورزشی نادیده گرفته می‌شوند؛ به این معنی است که رسانه‌ها تصویری را ارائه می‌دهند که در مقایسه با ورزش‌های مردانه و ورزشکاران آقا، برای آن‌ها ارزش قائل نیست. در حقیقت طبق گفته (Wanneberg 2013) مردان بیانگر هنجار زنان نماینده‌ی «دیگری» هستند. مورد دیگر، این مفهوم است که زنان در درجه‌ی اول زن و یک ورزشکار در درجه‌ی دوم هستند و یکی از مؤلفه‌های اصلی در پیشبرد آن‌ها به‌عنوان ورزشکار است. مطالعات بی‌شماری است که بر کمترین حضور زنان ورزشکار متمرکز شده است. رسانه‌ها به‌طور مداوم، دستاوردهای ورزش بانوان و ورزشکاران را کم می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که عموم مردم از تعداد بانوان ورزشکار و دستاوردهای آن‌ها بی‌خبر باشند. در اصل، رسانه‌ها نهادی هستند که قدرت مردان را نسبت به زنان حفظ می‌کنند (Shamsi 2016). طبق نظریه‌ی منابع و لایه‌بندی جنسیتی، مصاحبه‌شوندگان معتقدند؛ نابرابری جنسیتی با پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان ورزشکار رابطه دارد. منابع و امکانات بیشتری که جامعه در اختیار مردان می‌گذارد و گذاشته است، مردان را بیشتر به سمت ورزش و سایر فعالیت‌های اجتماعی سوق می‌دهد. مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که الگوپذیری از والدین، دوستان و نزدیکان با نابرابری جنسیتی در ورزش آن‌ها رابطه

ندارد؛ چراکه اگر قرار بود با انتظارات نقش‌های جنسیتی که خانواده برای آن‌ها در فرایند جامعه‌پذیری تعریف کرده است پرورش یابند، قادر به شکستن فشارهای اجتماعی و غلبه بر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی که اغلب به سود مردان هستند، نبوده و هیچ‌گاه به ورزش رو نمی‌آوردند. از طرفی، تنها عاملی از عوامل جامعه‌پذیری که در این تحقیق هم مورد تأیید قرار گرفت و با نابرابری جنسیتی در ارتباط می‌باشد، استفاده از رسانه‌ها است. در واقع، بازتاب همین تبعیض‌های جنسیتی در رسانه‌ها قابل مشاهده می‌باشد. عدم پوشش رسانه‌ای ورزش بانوان و بازتاب فعالیت‌های ورزشی آن‌ها از مواردی است که نمی‌توان در ایجاد و تقویت این نابرابری نادیده گرفت. در واقع، همان‌گونه که^۱ بوردیو هم در نظریه‌ی رسانه‌ای خود مطرح می‌کند، زنان ورزشکار با سانسور رسانه‌ای مواجه هستند و به گفته‌ی وی، با بدترین شکل سانسور در رسانه‌ی تلویزیون مواجهیم. می‌توان نتیجه گرفت که از نظر مصاحبه‌شوندگان، اگرچه محدودیت‌های فیزیولوژیکی برای آن‌ها در برخی ورزش‌ها وجود دارد، ولی بخش مهمی از نابرابری‌های جنسیتی از سوی جامعه به آن‌ها تحمیل می‌شود و تا زمانی که این نگاه تبعیض‌آمیز و نابرابر در سطح جامعه وجود دارد، تلاش‌های ورزشکاران آن‌گونه که باید ثمربخش نخواهد بود. برای رفع این نابرابری‌های جنسیتی، لزوم فرهنگ‌سازی در جامعه بسیار ضروری به نظر می‌رسد. همانطور که برای تحصیلات زنان نیز در گذشته‌های نه چندان دور، این نابرابری جنسیتی کاملاً ملموس و مشهود بود، ولی باگذشت زمان و شکل‌گیری فرهنگ جدید، جامعه به ضرورت تحصیل زنان پی برد و امروز میزان پذیرش بالای زنان در کنکور دانشگاه‌ها، خود شاهد و دلیلی بر این تحول فرهنگی در کشور محسوب می‌شود. همانطور که نتایج این تحقیق نیز نشان داد، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، تأثیری بر زنان ورزشکار نداشت و با وجود همه‌ی این موانع عرفی و اجتماعی، به فعالیت خود ادامه می‌دهند. ولی نکته‌ی مهم و ابزار اثرگذار در فرهنگ‌سازی رسانه‌ها هستند که متأسفانه به جای فرهنگ‌سازی مثبت برای ورزش بانوان در جهت افزایش نابرابری جنسیتی زنان ورزشکار مؤثر هستند که امید می‌رود چنین پژوهش‌هایی بتوانند در تغییر جهت برنامه‌های رسانه به سود ورزش بانوان مؤثر باشند.

References

- Bukharaci, A. (2015) An Analysis of Socio-Cultural Factors Affecting Gender Inequality (Study of Married Women aged 20-49 in Isfahan), 4 (3); 82-59(In Persian)
- Bakhtiar, M. Akram R. (2012), A Study of the Status of Women in Islam and Christianity, Journal of Women and Culture, 3 (11); 73-61(In Persian)
- Ebrahimi, Q. A. Askari, A. Niknejad, M. (2013) Sociological study of the factors affecting women's tendency to participate in sports as spectators, Journal of Sports Management and Motor Behavior, 6 (11); 68-73(In Persian)
- Ehsani, M. Kashkar, S. (2011) Investigating the factors hindering women's participation in sports activities, Socio-psychological studies of women (Women's Studies, 5 (2); 113-134(In Persian)
- Grossi, S. (2005). "The Effect of Stereotyped Beliefs on Gender Inequality in the Studied Family: Kerman City and surrounding Villages." MSc Finale of The Institute of Social and Economic Sciences, Alzahra University: 26-44. (In Persian)
- Mehrizi, N. (2018). "Fertility and Gender Inequality in Family Time in Iran." MSc Thesis, University of Tehran. (In Persian)
- Qaderi, H. (2016). "Political Thoughts in the Twentieth Century." Tehran, Samt Publications. (In Persian)
- Quran, translated by Ayatollah Meshkini (2010), Al-Hadi Publications, Qom.

- Reitzer, G. (2001). "Sociological Theories in Contemporary Era Translated by Mohsen Salasi." Tehran Elmiani.
- Shadloo, S. (2018). "The role of culture in balancing gender attitudes in social life to empower women, Proceedings of the Conference on Women's Empowerment." Tehran: Women's Participation Center: 85-115. (In Persian)
- Shamsi, A., Hosseini, M. S. Rouhani, M (2016). "Explaining the role of socialization factors in the development of youth sports participation (Case Study: Isfahan City)." Sports Management Studies, Research Institute for Physical Education and Sport Sciences. (In Persian)
- Wanneberg, P. L. (2013). "The sexualisation of sport : A gender analysis of Swedish elite sport from 1967 to the present day." European Journal of Women's Studies 18: 265-278.
- Zibaiinezhad, M. R. (2017). "Gender Identity and Roles." Office of Women's Studies and Research. (In Persian)